

2002

معرفی ژاله اصفهانی، زن برگزیده سال ۲۰۰۲ کنفرانس بین المللی بنیاد پژوهش های زنان ایران

توسط اسماعیل قوری علا

با به درخواست و دستور خانم ژاله اصفهانی، قرار است من چند کلمه ای در مورد ایشان خدمتتان عرض کنم. البته خانم اصفهانی در فیلمی که ملاحظه شد، راجع به شعر و نظرات ادبی خودشان به تمهیل صحبت کرده اند و من نیازی نمی بینم که خیلی به آن بپردازم. این است که بیشتر یک مقدار از حسن های خودم را راجع به شاعر بزرگوار سرزمین مان می گویم. و اگرچه می دانم که بیشتر خانمها دوست ندارند از سن و سال خودشان آغاز کنند، من اما دوست دارم با کسب اجازه از خانم ژاله اصفهانی، از سن و سالشان شروع کنم. شاید به سودای اینکه به شما نشان دادم باشم که چرا در این لحظات گرم جمعه بعد از ظهری از ماه ژوئن ۲۰۰۲، با حضور ژاله اصفهانی در میان جمع کرچک مهاجرانی که از برابر ظلمت جهل گریخته، همگی ما در برابر تفریح تجدیدطلبی جامعه ای خویش ایستاده ایم و لحظاتی تاریخی را می گذرانیم و طی آن از زنی بلنداندیشه و همواره درگیر جریان مبارزهای خستگی ناپذیر برای شکستن سدهای تاریخی، ژسته در پیش پای زنی از کوجه باغهای اصفهان اوایل حکومت رضاشاه، تجلیل می شود.

نام اصلی این زن اینل بود. در ۱۳ سالگی، نامی که مادرش به او داده بود یعنی ژاله را به عنوان تخلص و نام برای خود برگزید. سلطانی نام فامیل پدری نوست. پس از ازدواج، به نام ژاله بدیع نیزیزی شناخته شد که مردمان سرزمین های وسیع اتحاد جماهیر شوروی سابق او را به همین نام شناختند. اما امروز از او با نام ژاله اصفهانی تجلیل می کنیم. گویی هر نام برای ژاله، پوستی برده که او در هر مرحله از سفر عمر خویش آن را به دور اندکند، تا تقویم روزگار خرد را علامت گذاری کرده باشد. در سال ۱۹۴۶ مجموعه ای شعرهای ژاله به نام نرندمورده به زبان فارسی در مسکو منتشر شد. افغانها از آن رو به اشباه ژاله را زنده رودی نامیدند. ژاله در سرگذشت خود به نام بسایه سالها نام ادبی مستانه را برای خود انتخاب کرد.

شناسنامه ژاله، سن او را ۸۱ سال نشان می دهد و اعلام می دارد که او متولد سال ۱۳۰۰

عرفی زاله اصفهانی، زن برگزیده سال

می نویسی از من
اهل کجایم!
من کولی ام،
من دوره کردم.
پرورده ای اندوه و دردم.

بر نقشی دنیا نظر کن
بایک نظر از موز کشورها گذر کن
می شکه نیای سرزمینی

کلیجا نیاشد دربه در هم جویی. **من بجز (کلیجا نیاشد در به در هم جویی)**
اما جالبتر از همه این نکته است که شعر این شاعر پرورده ای اندوه و درده، همواره
از آیدی عجیب نیست به آینده و پیروزی لامحالی انسان آزاده، آزادبخواه و عدالت جو
همیشه سرشار برده است. می گوید:
منتقدان بنویسید هرچه میخواهید
ولی نگویید این را که:
زاله ترک وطن کرد.

بسا کسان ز وطن دور و در وطن هستند
بسا که در وطن باشند از وطن دورند
ز بخت تیره ندانند چشم دل کوران
که بت پرستی هرگز وطن پرستی نیست.
بت گلی

بت زین
چو هر بت دیگر
خلل پذیر بود

لیک آنچه جاوید است
وجود مردم و تاریخ و رزم و امید است
و من
وطن را

با این چهار
دارم دوست.

ژاله پس از انقلاب به ایران بازگشت. انا وطن را سیر ندیده و طعم جوانی گشده در اصفهان را دیگر باره نوشیده مجبور شد که یاز ترک وطن کند.

من ژاله را نخستین بار ۴۳ سال پیش در کانون نویسندگان ایران دیدم. باور نمی‌کردم که زنده مانده‌ام و لویی را که در کتاب کنگره نویسندگان ایران سال ۱۳۷۵ یافته و همان‌جا گم کرده بودم در قامت زنی که عادت داشت به هنگام شعرخوانی پشت یک‌ه عیندلی بایستد و سدایش را با آوج و فرود شعرش هماهنگ کند باز یابم. من زودتر از ایران بیرون زدم. آخرین دیدارمان در خانهای خانم سیمین بهبهانی بود. در او می‌شد اضطراب هجرت ناگریز دیگری را حس کرد. بزودی در لندن به ما پیوست. وقتی من و شکوه میرزادگی پیوند ازدواج بستیم او جام شرفش را به سلامتی ما نوشید و بدین‌سان، جزوی از زندگی ما شد. شبی در خانهای لندنش کتاب «البرز بی شکست» را که تازه منتشر شده بود، به دستم داد. در گوشه‌های نشستم و کتاب را به دقت خواندم و لب‌های عشفاتی را که شعرهای دلخواه من در آن چاپ شده بود تا زدم. شعرهایی ساده، پر از عاطفه‌های شخصی و انسانی، پر از تصاویری با ابهام در آمیخته که به جزی تحمیل فکر شاعر، خواننده را به فکر کردن آزادانه وادار می‌کرد. کتاب را به او پس دادم. ورفی زد. لحظاتی خاموش بود. بعد سر برداشت و مرا در سکوت نگر بست. آنگاه گفت: عجیب است آقای نوری علا! این شعرها را خود من هم خیلی دوست دارم. انا می‌دانید که در شوروی گفتن این‌گونه شعرها کار ~~ممنوعه~~ **سازنی نبود**

به نظر من بزرگداشت ژاله اصفهانی در کنفرانسی که امسال به مسأله زن، مذهب و ایدئولوژی می‌پردازد تقارنی شگفت است. ژاله لااقل پنجاه سال است که در کنار کشیدن درد هجران از وطن، درد تحمیلات ایدئولوژیک را هم با پوست و استخوان خویش چشیده است و در همه‌ی آن احوال، هم به وطن و هم به انسان آزاد شده از بند هر چه مذهب و ایدئولوژی است اندیشیده است. لذا تجلیل از او در این کنفرانس وظیفه‌ی همه ما و بزرگداشت او در این کنفرانس حق مسلم اوست. رسیدن این روز را به ژاله عزیز تبریک می‌گویم و عمری دراز و پربارو برایش آرزو دارم. و نیز وظیفه دارم از خانم گلناز نسین دعوت کنم که به روی صحنه بیایند و مراسم بزرگداشت ~~مجلس سلطنتی~~، ژاله سلطانی، ژاله ~~خشم‌موج~~ **ژاله اصفهانی** را یک‌جا آغاز کند. متشکرم

زن برگزیده سال

1057
05/20/2003 13:05 9188510965
PHONE NO. : 617 492 0111
EMM
May. 20 2003 06:04PM PS
Page 04